

مسئله چپ و تلقی اشتباه منتقدان از اثر هنری



صوفیا نصرالهی
روزنامه‌نگار

۱ هفته پیش در این ستون در اهمیت سرگرم‌شدن نوشتیم. به دو دلیل به‌منظرم اهمیت دارد که این بحث را ادامه بدهیم. اولین دلیل مسئله چپ است! اینکه هنر برای هنر نباشد و هنر در مسیر یک ایده یا پیام یا مردم و جامعه باشد، از اساس ایده‌ای بوده که چپ‌ها تئوریزه‌اش کردند. هرچند بسیار قبل‌تر از ظهور چپ، فیلسوفانی از یونان باستان و بعدتر در قرن هجدهم فیلسوفان فرانسوی معتقد بودند، اثر هنری باید فضایی را بیادآوری کند یا مخاطب را از ردایی بیزار کند اما درواقع به نظریه‌های زیبایی‌شناسی چپ در قرن بیستم به‌خصوص در زمینه سینما، این نگاه رواج پیدا کرد. در زمانه فعلی افکار عمومی با چپ دچار تضاد شده و بدون اینکه زمینه‌های واقعی تفکر چپ یا حتی گرایش‌های متفاوت آن‌را، که گاهی زمین تا آسمان با هم فرق دارند، بدانند به‌صرف یک اظهارنظر کسی را به چپ‌بودن متهم می‌کنند. بسیار پیش آمده که من متهم ردیف اول شده‌ام اما برایم جالب است که هیچ‌کس به این بخش چپ‌بودن نقدی وارد نمی‌کند. بخشی که به‌منظرم در جهان آزاد اهمیت زیادی پیدا کرده است. نگاه کنید به آن سریال‌های نمایش خانگی که تحویل گرفته می‌شوند. قارغ از اینکه ستایش شوند یا در مذمت‌شان نوشته شود. مثال عینی‌اش «تاسیان» است. بعضی‌ها فحش دادند. بعضی‌ها تحسین کردند. اما درنهایت موجی در جامعه ایجاد کرد. سربالی که به‌منظرم به‌لحاظ سینمایی و سرگرمی اتفاقاً حرف زیادی برای گفتن نداشت. اینکه حرف‌اش واقعاً جدی و عمیق بوده یا نه در این ستون، مسئله ثانویه من است. از آن طرف سریال محبوب من در شبکه نمایش خانگی این مدت، «کنکل» بوده است. به نویسندگی و کارگردانی رامتین لوفی با گروه بازیگرانی شامل هانیبه توسلی، صابر ابر، پدرام شریفی، مهدی پاکدل و ستاره پسایانی که قاعدتاً باید با اقبال روبه‌رو می‌شد. اما حداقل منتقدان به آن بی‌توجهی کردند. چرا؟ چون «کنکل» اثری است به‌شدت سرگرم‌کننده و برای سینه‌فیل‌ها می‌تواند جذابیت داشته باشد. کسانی که عاشق درام، تصویر، دیالوگ، ریتم و شوخ‌طبعی هستند. کسانی که سرگرم‌شدن برایشان نسبت به پیام، اولویت دارد. «کنکل» را که می‌بینم یاد فیلم‌های جورج روی‌هیل می‌افتم. «بوچ کسیدی و ساندنس کید» یا «نیش». همان تعقیب و گریزهای ضدقهرمان‌های دوست‌داشتنی قانون‌گریز و همان شوخ‌طبعی بدون اینکه در دام این بیفتد که آن وسط حرف به‌ظاهر مهمی بزند یا پیامی را به مخاطب‌اش برساند. که اساساً اگر اثری سرگرم‌کننده نباشد در انتقال حراش هم ناموفق خواهد بود. اما نگاه منتقدان که قرار است به مخاطب جهت بدهد، ملهم از همان نظریه‌های چپ انگار اهمیت «کنکل» را درک نکردند. اینکه سریال خوبی است یا نه بحث ثانویه است. مسئله اینجاست که «کنکل» مدل جدیدی از سریال شبکه نمایش خانگی است. با یک جور جاشنی‌گی‌وضعی شخصیت‌ها، تکیه بر شانس و اقبال و خیلی یکدست در درام و کارگردانی. یعنی می‌شد روی جلد برود و درباره‌اش بیشتر از این‌ها حرف بزند. اینجاست که اتفاقاً رخنه چپ را می‌شود نقد کرد، ولی نوبت به سرگرمی که می‌رسد گویا افکار عمومی همسوی چپ‌هاست!

۲ حالا که از چپ‌ها نوشتیم مستند «فرار از قصر» به شبکه نمایش خانگی آمده و به‌منظرم دیدنی است. اگر جریان سیاسی نقد می‌شود، خوب است که درباره‌اش بیشتر بدانیم و بخوانیم. «فرار از قصر» البته خیلی به‌تاریخچه چپ در ایران ربطی ندارد اما مستند همچنان انگیزی است، درباره یکی از عجیب‌ترین فرارها از زندان‌های ایران که نشان می‌دهد تا چه حد نفوذ چپ‌ها در ایران زیاد شده بود. جدا از بحث تاریخی، این یکی مستند سرگرم‌کننده‌ای هم هست اگر اهل تاریخ و سیاست باشید. احسان عمادی خیلی خوب قصه این فرار را که طبعاً تصویری از آن در دست‌نداریم، بازسازی کرده. چیزی که می‌توانست یک کتاب یا مقاله باشد را به تصویر درآورده تا مخاطبان بیشتری با گوشه‌ای از تاریخ ایران آشنا شوند. حیف است که آن را نبینید. این یکی، هم پیام دارد، هم سرگرم‌کننده است و بازی دو سر برد برای منتقدان می‌شود.

۱۶
۲۴ ساعت
24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline

• صاحب امتیاز و مدیرمسئول: غلامحسین کریاچی
• مشاوران: عباس عیدی و احمد زیدآبادی
• سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیراداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰



معضل موی تراشیده زن

وزیر فرهنگ از عملکرد یکساله وزارتخانه و علت تداوم توقیف «قاتل و وحشی» گفت

آثار هنری، «همایش ملی مسئولیت اجتماعی در حوزه فرهنگ و هنر» و «رویداد بازی‌های مقاومتی» را از فعالیت‌های قابل دفاع وزارتخانه دانست.



فرزاد نعمتی
خبرنگار گروه فرهنگ

نشست خبری صبح روز دوشنبه، چهارم شهریورماه ۱۴۰۴ سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در مکان مجتمع فرهنگی باغ‌زیبادر محله حسینییه ارشاد، گرم بود و محافظه کارانه، گرم بود چون با قطع برق در ساعت نخست نشست و دقایقی پیش از شروع پرسش‌های خبرنگاران، زور زورآتوهای مجتمع باغ‌زیبا فقط به روشن نگه داشتن چراغ‌های سالن و چرخیدن پرده‌های چهارپنجه کوچکی می‌رسید که بیشتر از آنکه تب و تاب اهالی رسانه در سالن نشست را تسلی دهد، همدگر را خنثی می‌کردند. محافظه کارانه نیز بود اما چون دقیقاً لحظاتی پیش از آنکه برق قطع شود، مقام وزارت در فرار پایانی سخنانش، با ارجاع جمع به سخنرانی اخیر رهبر انقلاب و تعبیر «سپر پولادین اتحاد مقدس» ایشان، خواستار آن شد که ضمن طرح «سوال‌های خوب»، از طرح پرسش‌های با ادبیات مناقشه‌برانگیز و اختلافرانگیز پرهیز شود. «نمی‌گویم سوال نکنید، سوال حق است ولی اگر می‌خواهیم درباره افراد و موضوعات سوال کنیم، از داخل جلسه ما بوی تضعیف این اتحاد مقدس نیاید.»

ایران ۱۴۰۴، ایران ۱۳۶۰ نیست

در آغاز نشست و پیش از «تشریح عملکرد و فعالیت‌های وزارت متبوع در یک‌سال فعالیت دولت وفقای ملی»، وزیر از دو تغییر عمده اجتماعی و فناوریانه رخ داده در ایران سخن گفت: «ایران ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ با ایران دهه ۱۳۶۰ تفاوت‌های قابل توجهی دارد. این تغییرات را اگر نبینیم راه‌های مان متناسب با موقعیت نخواهد بود.» با این مقدمه، صالحی نتیجه گرفت که به علل مختلف، سرمایه اجتماعی نظام در گروه‌های مرّج از جمله اصحاب فرهنگ، هنر و رسانه افول پیدا کرده و این به هردلیلی رخ داده باشد، امری آسیب‌زاست. او در این میان البته از اشاره به نقش اعتراضات ۱۴۰۱ در گسترش این شکاف غافل نشد اما با گذر از «مقصریابی»، از لزوم «تجدیدنظر» در وضعیت فعلی سخن گفت و از عملکرد وزارتخانه متبوع خود در تعامل بهتر با هنرمندان و نقش این ارتباطات در بهبود نسبی شرایط دفاع کرد. شاهد مثال با هنرمندی در این زمینه نیز اقبال بیشتر هنرمندان به جشنواره‌های فجر ۱۴۰۳ بود: «اقبل از این شاهد بودیم بخش وسیعی از هنرمندان اگر نگوییم قهر، دست‌کم حتی ارتباطی حداقلی برقرار نمی‌کردند. این‌ها هم اکنون در جشنواره‌های فرهنگی و هنری حضور فعال‌تری پیدا کرده‌اند. حضوری قوی‌تر و وسیع‌تر. این بالطبع به مسیر تعاملی پیموده‌شده در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و معاونت‌های ذیربط برمی‌گردد.» جز این، صالحی سهم چشمگیر هنرمندان در «حماسه ۱۲ روزه» را شاهد دوم تحلیل خود دانست و از انتشار قریب‌الوقوع جزوه‌ای به‌نام «تا بد ایران» خبر داد که در آن از صدها هنرمند که در دفاع از ایران در فضای مجازی حضور پیدا کردند و همبستگی خود را نشان دادند، یاد شده است: «این نشان‌دهنده آن است که این رویکرد جواب می‌دهد و فاصله‌ها آن قدر هم که گمان می‌کنیم، غیر قابل ترمیم نیست.»

ایران فقط تهران نیست

در کنار این گزاره تحلیلی که البته صالحی آن را با اذعان بدین نکته که نمی‌شود همه این کارها را نتیجه فعالیت‌های وزارتخانه دانست، ایراد کرد، او از نگاه ویژه‌اش به سایر استانها و شهرستان‌ها در کنار تهران پرده برداشت و از تشکیل شورای عالی سینما با سرپرستی استادان تارنامهرماه سال جاری، تشکیل کتابخانه‌های سیار در نهاد کتابخانه‌های عمومی، برگزاری مجدد نمایشگاه‌های کتاب استانی و تأسیس ۲۴ کتابخانه، سه مجتمع فرهنگی و پنج هنرستان هنرهای زیبا در استان‌ها خبر داد. صالحی عملکرد صندوق اعتباری هنر را نیز شرح داد، از نبود برخی هنرمندان در این صندوق و حجم خدمات نیز اظهار شرمندگی کرد و پیگیری تلاش‌های پیشین‌اش در دولت دوازدهم در دولت فعلی برای تثبیت بیمه فرهنگ و هنر را گوشزد شد. او همچنین برگزاری فلوشیپ کودک و نوجوان در نمایشگاه کتاب، نمایشگاه‌های برگزارشده در موزه‌های هنر معاصر و نمایشگاه در حال برگزاری «به گزارش زنان» را از رویدادهای مهم سال ۱۴۰۴ دانست، دعوت از بیش از ۱۰۰ نفر از بلاگرهای مشهور جهانی به ایران در طرح «از ایران بگو» را ستود و انجام زود هنگام طرح‌هایی چون «فرهنگ کارت»، «صندوق همیار فرهنگ‌و هنر»، «ارائه شناسه

شفاف می‌شویم، نقد کنید

بخش دیگری از صحبت‌های صالحی نیز به موضوع «شفافیت» اختصاص یافت و از این گفت که اینک پس از وقفه‌ای، بار دیگر همه اسناد اداری و قراردادهای وزارتخانه در سامانه شفاف‌سازی بارگذاری می‌شود و به جشنواره‌ها هم تکلیف شده است که ریز هزینه‌های خود را اعلام کنند. او این اقدامات را باعث در معرض نقد قرار گرفتن همکاری‌اش و عاملی مهم در پیشگیری از فساد دانست. این در حالی است که در ماه‌های اخیر برخی رسانه‌ها پرسش‌هایی جدی درباره هزینه‌کردهای برخی جشن‌ها و جشنواره‌ها در این وزارتخانه طرح کرده بودند و در نشست دیروز نیز یکی از خبرنگاران این ایراد را به وزارتخانه گرفت که به‌جای پاسخگویی به گزارش‌های تحلیلی انتقادی، نقدها را نادیده می‌گیرد یا محدود می‌کند و این به‌خصوص برای صالحی که خود از اهالی مطبوعات است، مایه تأسف است که در مجموعه‌اش، نقدها مورد بی‌اعتنایی قرار می‌گیرند.

پاسخ‌های قدیمی به پرسش‌های جدید

بخش جذاب نشست‌های خبری معمولاً زمانی است که خبرنگاران سوالاتی چالشی و صریح طرح می‌کنند. کمیت نشست دیروز اما در این زمینه ی‌لنگید. جدا از آنکه وقت طرح پرسش به برخی از رسانه‌ها نرسید، بیشتر سوالات طرح‌شده نیز گاه حتی در شکلی تکراری به مسائلی جزئی و مرتبط با تحولات نه‌چندان بنیادی درون سازمانی وزارتخانه گذشت و حتی بحث به روابط فرهنگی ایران با کشورهای همسایه چون ترکیه و افغانستان نیز رسید، اما درباره برخی از موضوعات فرهنگی مهم مبتلا به جامعه‌هنری، کمتر بحثی شکل گرفت. در عین حال حتی در این فرصت محدود نیز پاسخ‌های وزیر به برخی ایرادها درباره تداوم مشکلات حوزه صدور مجوز و سانسور کتاب و فیلم، بیشتر از آنکه نشانگر عزمی جدی در وزارتخانه برای حل این مشکلات باشد، بیانگر این واقعیت بود که هیچ اتفاق بزرگی را در این حوزه‌ها نباید انتظار کشید و در فرهنگ و هنر در سال‌های آتی نیز به همان پاشنه‌پیشین خواهد چرخید. چنین امری البته در تناقض است با سخنان آغازین وزیر مبنی بر تغییر اوضاع جامعه و لزوم ارائه پاسخ‌های نو به مسائل و بحران‌های موجود. برای نمونه وضعیت امروز را می‌توان با یک‌دهه پیش مقایسه کرد که در زمینه سانسور کتاب، وزارتخانه از ایده سپردن این امر به ناشران دفاع می‌کرد یا در حوزه موسیقی زنان، تلاش‌هایی در جریان بود. اینک اما نشست خبری وزیر حکایت از این دارد که چندان چشم‌انداز راهگشایی، ذهن و ضمیر سیاست‌گذاران فرهنگی کشور را مشغول نداشته است. این در حالی است که امروزه توجه به چنین مسائلی و تلاش برای یافتن راهی معقول برای آنها یکی از اولویت‌های وزارتخانه می‌تواند باشد. همین چندماه پیش بود که مسعودشدن صفحات مجازی بر برخی هنرمندان زن، خبرساز شده بود و اینک در روزگاری که وزیر به‌درستی از لزوم پاسداشت اتحاد سخن می‌گوید و خوشبینانه شخصیتی مورد وثوق نظام است، شاید یکی از وظایف عاجل و درخور جایگاه او، ج‌وجوی مسیری برای حل این مسائل باشد، نه گرفتاری در برخی مباحث خرد.

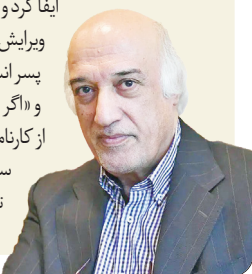
در انتظار آرایش ملی جدید فرهنگی

محدودیت‌ها و فشارها بر وزارتخانه البته کتمان‌ناپذیر است، کما اینکه وزیر در همین نشست درباره اکران فیلمی چون امیر پسر» مورد انتقاد یکی از رسانه‌های اصولگرا قرار گرفت. با این همه نباید فراموش کرد که فعالیت وزارتخانه در قبال فیلمی چون «قاتل و وحشی» عمید نعمت‌الله که نزدیک به یک‌دهه است نتجیبانه منتظر اکران قانونی فیلم‌اش در ایران است، آنهم به خاطر آنکه به قول وزیر ارشاد «روحانی ناظر در شورای پروانه نمایش» موهای سر تراشیده لیا لاحتامی را از نظر «شرعی» مشکل‌ساز می‌داند. تناقضی را در ذهن تحلیلگران ایجاد می‌کند؛ تناقضی که از قضا یکی از خبرنگاران با طرح این پرسش بدان پرداخت: بهتر نیست به‌جای دعوت از رسانه‌های خارجی، به ایرانیانی که در ایران و خارج از ایران، پای وطن ایستادند، اعتماد بیشتری کنیم و فضای مناسب‌تری برای آنها مهیا کنیم؟ وزیر البته در جواب این سوال از این گفت که «در سران قوا و رأس حاکمیت» این نگرش وجود دارد که وطن‌دوستان بتوانند در کشور فعالیت کنند، اما به‌هر روی به عمل کار برآید و باید دید از پس جنگ ۱۲ روزه، «آرایش ملی» تغییر خواهد کرد یا نه؟ کاش نشست بعدی وزیر، گزارشی درباره همین تغییر آرایش باشد.

چهره

درگذشت مترجم نامدار ادبیات عرب

موسی اسوار؛ شاعر، ادیب، مترجم برجسته و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی دوزور پیش در ۷۲ سالگی، درگذشت. او یکی از چهره‌های اثرگذار در پیوند ادبیات فارسی با ادبیات عرب بود. اسوار در سوم مردادماه ۱۳۳۲ در کربلا به دنیا آمد و زندگی‌اش میان دو فرهنگ شکل گرفت؛ کودکی و تحصیلات ابتدایی را در عراق گذراند، سپس در ایران ادامه داد. همین زیست‌دوگانه، زمینه‌ساز شوق عمیق او به زبان و ادبیات شد. اسوار بیش از هر چیز با ترجمه‌هایش از شاعران نامدار عرب، از جمله محمود درویش، نزار قبابی و ادونیس شناخته می‌شود. او معتقد بود، آگاهی از تجارب ملل دیگر در تدوین تاریخ ادبی به اختیار راست‌ترین و روشن‌ترین راه تاریخ‌نگاری ادبیات ملی کمک‌شایان می‌کند. اسوار، دانش آموخته رشته تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت از دانشگاه تهران بود، اما دلمشغولی اصلی او ادبیات بود که تا آخر نیز با او ماند، علاوه بر ترجمه، در ویراستاری نیز نقش مهمی ایفا کرد و بیش از دو دهه دبیر و رئیس شورای عالی ویرایش صداوسیما بود. کتاب‌هایی چون «عیسی پسر انسان»، «پیامبر و باغ پیامبر»، «شکوه متنبی» و «اگر باران نیستی نازنین، درخت باش» بخشی از کارنامه پر بار اسوار است. پیکر زنده‌یاد اسوار امروز ساعت ۱۱:۳۰ در قطعه نام‌آوران بهشت زهرا ی تهران به خاک سپرده می‌شود.



کتابخانه

سیر دگرگونی در ساختار قشر بندی

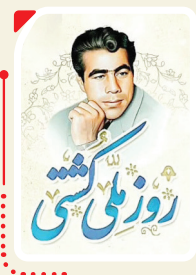
کتاب تازه‌ای از نشر مرکز در حوزه پژوهش‌های اجتماعی ایران با عنوان «نظام قشر‌بندی اجتماعی در بلوچستان» منتشر شده است. نویسنده این کتاب داریوش مبارکی است و در پژوهش خود تحولات در سلسله‌مراتب اجتماعی بلوچستان از دوره قاجاریه تا پس از انقلاب ۱۳۵۷ را بررسی کرده است. کتاب دوره‌های موسوم به شکوه و افول نظام قشر‌بندی اجتماعی را بررسی کرده است. نویسنده استدلال می‌کند که بازماندگان گرچه در تمنا با گشت به دوران شکوهند اما پرسش‌هایی هم از این جنس دارند: زمینه‌ها و عوامل شکل‌گیری نظام قشر‌بندی کدام است؟ چه عواملی در استمرار حاشیه‌بودگی و فقدان فضا‌سازی مناسب برای کنشگری اقشار پایین دخیل است؟ کتاب نظام قشر‌بندی اجتماعی در بلوچستان پاسخی برای این سوال هاست و نویسنده با بررسی‌های خود سه ادعا را مطرح می‌کند: در دوران قاجار تغییری در فرم قشر‌بندی رخ نداد، دوره پهلوی، اصلاحات به وقوع پیوست اما به تغییرات بنیادی نینجامید و پس از انقلاب، دگرگونی اساسی در فرم قشر‌بندی اجتماعی ایجاد شد. این کتاب با قیمت ۳۶۰ هزار تومان به بازار آمده است.



نام کتاب: نظام قشر‌بندی اجتماعی بلوچستان نویسنده: داریوش مبارکی انتشارات: نشر نی

تاریخ

روز ملی کشتی



کشتی به‌عنوان ورزش ملی ایرانیان، قدمتی باستانی دارد. در تعداد فراوانی از کتیبه‌های مکتشفه از دوران باستان، رواج این ورزش در میان مصریان و آشوریان نیز دیده می‌شود. بعدتر یونانیان این ورزش را فرا گرفتند و مسابقات کشتی به‌مواد پنجگانه بازی‌های المپیک باستان افزوده شد. در ایران امان‌نام این ورزش از کمر‌بندی به نام «کستی» گرفته شده که زرتشتیان هنگام غروب آفتاب به کمر خود می‌بستند و در برابر کانون آتش به دعا خواندن می‌پرداختند. بدین ترتیب کشتی گرفتن به‌معنی کمر یکدیگر را گرفتن است. کشتی و ورزش باستانی در دوران صفویه و زندیه رونق زیادی در ایران یافت و در هر شهر ده‌ها پهلوان وجود داشت. در دوران ناصرالدین‌شاه «صاحب‌الدوله»، مأمور توسعه ورزش کشتی شد و در تمام روزهای تعطیل پهلوانان در میدان‌های شهر به کشتی گرفتن می‌پرداختند. بعدتر و از سال ۱۳۱۸ نیز با قرار گرفتن کشتی در سیاهه مسابقات جهانی، تعلیم مدرن این ورزش مورد توجه قرار گرفت. باتوجه به پیوند کشتی و پهلوانی در فرهنگ ایرانی، رسول خادم در زمان ریاست فدراسیون کشتی، موافقت شورای عالی انقلاب فرهنگی را برای نام‌گذاری پنجم شهریورماه، رازورز جهان پهلوان تختی، به‌عنوان روز ملی کشتی جلب کرد.